



## ضرورت های وحدت در حقوق بین الملل

دکتر رضا نیکخواه سرنقی<sup>1</sup>

### چکیده :

وحدت و کثرت، فرایندهایی در مسیر حیات حقوق بین الملل هستند؛ فرایندهایی که گرچه به ظاهر در تقابل با هم قرار می گیرند، چنان با مقتضیات حقوق بین الملل هماهنگ شده اند که جز در مواردی خاص، دیالکتیک موزونشان مانع از تهدید جدی سیستم حقوق بین الملل است. در این مسیر پرتلاطم، گاه وحدت وجهه غالب و گاه کثرت مشخصه بارز حاکم بر سیستم حقوق بین الملل است. لازمه درک مناسبی از وضعیت کنونی حقوق بین الملل، نخست درک مفهومی متغیرهای ذی ربط و آنگاه قرار دادنشان در مسیر متلاطم حیات حقوق بین الملل است. در این مطالعه، ضمن تأمل در مفاهیم وحدت و کثرت در حقوق بین الملل، از طریق رویکرد هنجاری- سیستمی حقوق بین الملل به مطالعه این مفاهیم خواهیم پرداخت و در پاسخ به این سوال اساسی که آیا یکپارچگی حقوق بین الملل معاصر در خطر است یا نه، در یک نگاه جامع، نظام حقوق بین الملل را نظامی با ویژگی وحدت در عین کثرت در پرتو قواعد بنیادین بویژه در حوزه حقوق بشر نشان خواهیم داد.

**واژگان کلیدی:** وحدت حقوق بین الملل، کثرت، رژیم های خود گردان، نظام حقوق بین الملل، قواعد عام الشمول، سیستم حقوق بشر، اصل وحدت حقوق بشر، سازمان جهانی تجارت.

<sup>1</sup> . استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه



#### مقدمه:

این همایش مایه امیدی برای اشاعه مباحث حقوق بین الملل در عموم دانشگاه های کشور ما است. مباحث حقوق بین الملل کمتر مورد توجه واقع می شوند و با این گونه از تلاش های علمی و آکادمیک می توانیم به گسترش مباحث در حوزه حقوق بین الملل در دانشگاهها امیدوار باشیم.

اما موضوع بحث ما به نوعی اشاره دارد به محور اصلی همایش یعنی حقوق بین الملل در آیین علوم روز و این مطلب بیانگر این است که حقوق بین الملل به نوعی خاص دچار چالش های ناشی از پویایی در علوم دیگر قرار گرفته و به تبع باید به عنوان یک نظم حقوقی در حوزه جامعه بین المللی بتواند خود را با این چالش ها و نوآوری ها تطبیق دهد.

کثرت حقوق بین الملل پدیده ای است که به باور برخی از علمای حقوق بین الملل وحدت حقوق بین الملل و در نهایت کارآمدی نظام حقوقی بین المللی را تهدید می کند.<sup>۱</sup> این نگرش به مسئله و طرح چالش های آینده نظام حقوق بین الملل موجب شد تا کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد نیز مطالعاتی گسترده در این موضوع نماید و ابعاد و آثار آن را تبیین نماید.<sup>۲</sup> مطالعات حول دو محور اصلی تهدیدات یعنی "تعارضات هنجاری" و "تکثر نهادی" متمرکز شد که ما نیز در تحقیق حاضر به هر دو جنبه از بحث اشاره خواهیم داشت ولی به علت گستردگی موضوع و نیز اهمیت بعد هنجاری مباحث را در این حوزه تحلیل خواهیم نمود. برای درک بهتر وضعیت نظام حقوق بین الملل و چالش های آینده آن نخست زمینه ها و ماهیت پدیده تکثرگرایی در حقوق بین الملل را مطالعه می کنیم.

مطالعه مسئله و حدت در حقوق بین الملل و فهم ابعاد آن مستلزم دقت در عناصر زیر است:

الف) گسترش حقوق بین الملل عمومی با طرح موضوعات جدید که قبلاً در خارج از این حوزه قرار داشتند.  
ب) ورود اعضا و تابعان جدید در حقوق بین الملل همچون سازمان های بین المللی و شرکت های چند ملیتی.

ج) گسترش افقی حقوق بین الملل با الحلق دولت های جدید و بلوک های نو ظهور.

د) تحول در مفهوم اصول و قواعد حاکم بر جامعه بین المللی و گسترش آنها

#### الف- ماهیت و زمینه های تکثر در حقوق بین الملل

پدیده تکثر در حقوق بین الملل از تنوع و پراکندگی حقوق بین الملل در در محتوا و شکل ناشی می شود. ما شاهد یک توسعه هنجاری در زیرسیستم ها هستیم که ارتباط منطقی و دقیقی با یکدیگر ندارند. این تورم هنجاری همراه است با رویه های تفسیری عمدتاً متعارض از سوی مراجع و نهادهای بین المللی که در ارتباط با یکدیگر نیستند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - DUPUY P.-M., « L'unité de l'ordre juridique international », Cours général de droit international public, R.C.A.D.I., Vol.297, 2002, p. 432-450. DUPUY P.-M.

<sup>۲</sup> - شهبازی آرامش تاملی در وحدت و کثرت نظام حاکم بر سیستم حقوق بین الملل مجله حقوقی بین المللی شماره ۴۱ ۱۳۸۸ صص ۱۳

<sup>۳</sup> - ژوست پاولین "کثرت حقوق بین الملل" ترجمه عبدالله عابدینی مجله حقوقی بین المللی زمستان ۱۳۸۹ صص ۱۲۶-۱۰۵



تکثر هنجاری حقوق بین الملل از دو منظر موضوعی و قلمرو و شمول قابل طرح می باشد.<sup>۴</sup> حوزه های موضوعی حقوق بین الملل ناشی از تحولات اجتماعی و تکنولوژی و علوم در جامعه بین المللی میباشد که هر حوزه به تدریج یک رژیم حقوقی نیز شکل می دهد زمانی که با یک سازمان جهانی همراه می شود مثل سازمان تجارت جهانی. معمولاً این رژیم ها ادعای کارکردی ویژه و لذا نوعی خودمختاری در حوزه حقوق بین الملل دارند. از سوی دیگر با توجه به ساختار غیر متمرکز جامعه بین المللی به جز اندک استثنائات چون قواعد آمره بین المللی قلمرو و کاربرد بسیاری از قواعد حقوق بین الملل عام و جهان شمول نیست. بنابراین به واسطه فقدان قانون گذاری عام در حقوق بین الملل، اعضای جامعه بین المللی تحت حاکمیت قواعد متفاوتی از حقوق بین الملل قرار دارند.<sup>۵</sup>

به موازات تکثر محتوایی، کثرت در حقوق بین الملل به رویه ها و عملکردها نیز کشیده شده است. این نوع از تکثر که ناشی از تفاسیر متفاوت از قواعد است بویژه در رویه های محاکم بین المللی نمود پیدا می کند. این محاکم با صلاحیت های متفاوت در حوزه های موضوعی گوناگون مثل دیوان بین المللی دادگستری و نهاد حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی یا در یک حوزه واحد و در نتیجه عهدهات موازی مثل دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با نهاد حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی یکدیگر را به چالش می کشانند.<sup>۶</sup>

در کنار انواع تکثرهای مذکور در حوزه حقوق بین الملل موضوعه باید به تکثر ناشی از ورود بازیگران غیر دولتی در حوزه های هنجاری و اجرایی حقوق بین الملل نیز اشاره نمود. بویژه مسئله شرکت های چند ملیتی و جایگاه آنها در حقوق بین الملل و در قبال تعهدات بین المللی از بحث های روز در حقوق بین الملل است. از طرفی توسعه حقوق موسوم به حقوق نرم و نسبت آن با حقوق قوام یافته بین المللی چالش بر انگیز است.

با توجه به فقدان یک نظام مبتنی بر تمرکز و سلسله مراتب در جامعه بین المللی مسئله تکثر در حقوق بین الملل خیلی تعجب آور نیست. با این حال این پدیده بعد از پایان جنگ جهانی دوم به صورت جدی تری مجال

<sup>۴</sup> -M. Akehurst, The Hierarchy of the Sources of International Law, 1974, BYIL,

E Roucouas, Engagements parallèles et contradictoires' (1987) 206 RdC, J. Weiler and A. Paulus, The Structure of Change in International Law or: Is there a Hierarchy of Norms in International Law, (1997) 8 EJIL 545-65.

<sup>۵</sup> - شهبازی آرامش، تکثر سیستم قضایی بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم شماره ۲۹ ۱۳۸۹

<sup>۶</sup> - Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law' (Analytical Study) (2006) UN Doc A/CN.4/L.682, Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law' (Conclusions) (2006) UN Doc A/CN.4/L.702. O. Delas and others (eds) Les juridictions internationales: complémentarité ou concurrence? Bruylant Bruxelles 2005. R. Higgins \_The ICJ, the ECJ, and the Integrity of International Law, (2003) 52 ICLQ 1-20. T Treves, Advisory Opinions of the International Court of Justice on Questions Raised by Other International Tribunals, 2000, 4 MaxPlanckYrbkUNL. L. Bartels, Applicable Law in WTO Dispute Settlement Proceedings, 2001 35 JWT 499-519, B. Kingsbury and others, The Proliferation of International Tribunals: Piecing Together the Puzzle' (1999) 31 NYUJIntL&POL 679-855.



بروز پیدا نمود. بر اساس رویکرد کارکردگرائی شاخه های مختلف حقوق بین الملل با محوریت نهادهای بین المللی جدید در این دوره شکل گرفتند. برخی از نهادها در حوزه های اقتصادی و خاص متمرکز شدند و از طرف دیگر نهادهای سازمان ملل متحد برای فعالیت در مسائل سیاسی و امنیتی ایجاد شدند. لذا در اسناد تأسیس نهادهایی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به صراحت مقرر گردیده که عوامل سیاسی نمی توانند در فعالیت های این نهادها موثر باشند و اقدامات این سازمان ها صرفاً مبتنی بر زمینه های اقتصادی است.

بویژه بعد از پایان جنگ سرد و تقویت همگرایی بین المللی و تسریع در فرایند ادغام و جهانی شدن دیگر تفکیک دقیق میان حوزه های مختلف حقوق بین الملل با توجه به وابستگی متقابل روزافزون میان حوزه های موضوعی و نیز تابعان حقوق بین الملل امکان پذیر نبود. با توجه به این مسئله عمومی و ارتباط آن با طرح اختلافات حقوقی مختلف نزد طیف متنوعی از محاکم و دیوان های بین المللی مثل دیوان بین المللی دادگستری، سازمان تجارت جهانی، دیوان بین المللی کیفری، دیوان بین المللی دریاها، دیوان دادگستری اروپایی یا دیوان اروپایی حقوق بشر مسئله وحدت حقوق بین الملل برجستگی بیشتری یافت. لذا یک بینش منسجم در نگاه به مسائل حقوق بین الملل بویژه در داخل سیستم ملل متحد شکل گرفت و ضرورت اصلاحات در این سازمان جهانی را به پیش کشید. چنانکه دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ ایده مربع تفکیک ناپذیر حقوق بشر "توسعه" صلح و دموکراسی را مطرح نمود.<sup>۷</sup> تهدید های نو علیه بشریت به یکدیگر وابسته اند. مسائلی مانند توسعه و صلح نمی توانند به تنهایی و جدا از یکدیگر حل شوند. نهادهای بین المللی باید با یک نگاه جامع بیاموزند که به گونه ای هماهنگ در برخورد با معضلات گوناگون با یکدیگر همکاری کنند.<sup>۸</sup>

در راستای همین نگرش بود که کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۹</sup> کارگروه مطالعاتی خود را برای بررسی موضوع ایجاد کرد. این مطالعه تحلیلی مشتمل بر ۴۲ نتیجه گیری بود که در سال ۲۰۰۶ به مجمع عمومی ملل متحد گزارش شدند و در قالب قطعنامه ۶۱/۳۴ به تصویب این ارگان رسیدند.<sup>۱۰</sup>

<sup>۷</sup> -PETERSMANN E.-U., « Time for a United Nations Global Compact for Integrating Human Rights into the Law of Worldwide Organizations: Lessons from European Integration », op. cit., p.623 V. GARDBAUM S., « Human rights as International Constitutional rights »,

European Journal of International Law, Vol. 19, 2008, p. 749

<sup>۸</sup> - سلیمی حجت رژیم های خود بسنده و مناسبات آنها به حقوق بین الملل عام مجله حقوقی بین المللی شماره

۴۲ ۱۳۸۹ ص ۲۷۵

<sup>۹</sup>-Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law' (Analytical Study) (2006) UN Doc A/CN.4/L.682·Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law' (Conclusions) (2006) UN Doc A/CN.4/L.702

<sup>۱۰</sup>-The Proliferation of International Judicial Bodies: The Outlook for the International Legal Order' (27 October 2000) UN Doc A/C.6/55/SR.17.



## ب- مباحث نظری و مشکلات عملی

نگاه ها به مفاهیم وحدت و پراکندگی حقوق بین الملل از سوی علمای حقوق بین الملل متفاوت بوده است. در واکنش به تنوع محاکم بین المللی برای اولین بار برخی از حقوقدانان به مسئله تهدید وحدت حقوق بین الملل اشاره کردند. اشخاصی مثل دو پویی و هافتر اولین مطالعات مقدماتی را در خصوص خطرها و مضرات تکرار عتیه ثبات، وحدت و کارآمدی حقوق بین الملل انجام دادند. نگرش منفی به مسئله کثرت در حقوق بین الملل به طور طبیعی از بینش عام نسبت به حقوق ناشی می شود که آن را مظهر وحدت در مقابل سیاست می داند تا حقوق بتواند از هرج و مرج در جامعه از سوی قدرت ها جلوگیری کند و ما را به سوی نظم و امنیت رهنمون سازد.

جامعه بین المللی در مقام مقایسه با نظام های حقوق داخلی توسعه نیافته است و نهادهای مقتدری در خصوص رفع تعارض های احتمالی به ویژه در حوزه هنجاری وجود ندارد. همچنین در موضوع تعارض بین احکام و تصمیمات مختلفی که از نهاد ها و محاکم بین المللی صادر می شود هنوز یک راه حل دقیق وجود ندارد. فرض کنید تعارض بین آراء صادره از دیوان دادگستری بین المللی با آراء صادره از سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی یا در بحث منطقه ای تعارض آراء صادره از دیوان کیفری بین المللی با آراء صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر. در جامعه بین المللی به اعتقاد عده ای از صاحب نظران ما در حقوق بین الملل واجد قابلیت هایی هستیم که چه به لحاظ نهادین، چه به لحاظ هنجاری مانع از هم پاشیدگی و چندپارگی در حقوق بین الملل می شود. بر خلاف جوامع ملی متأسفانه به لحاظ که غیرنهادینه است یک نهاد متمرکز برای حل و فصل این اختلافات نداریم.

قدرت در حقوق بین الملل توصیف می کنند و لذا با تأکید بر وحدت حقوق بین الملل به دنبال نهادینه سازی جامعه بین المللی در یک نظام سلسله مراتبی دقیق هستند. در حوزه محاکم بعنوان مثال پیشنهاد منتقدان دادن یک صلاحیت گسترده به دیوان بین المللی دادگستری از حیث نظارت بر محاکم بین المللی است به گونه ای که همه این محاکم قادر باشند از دیوان مزبور نظر مشورتی بخواهند. یا دیوان بین المللی دادگستری قادر باشد نسبت به همه معاهدات بین المللی از حیث عدم مغایرت با قواعد آمره بین المللی اعلام نظر نماید.

از سوی دیگر واکنش برخی دیگر از حقوقدانان به مسئله تکرار در حقوق بین الملل تا حدود زیادی مثبت بوده است. این دسته به جای بحث از خطرات ناشی از پراکندگی حقوق بین الملل از برخی مشکلات ناشی از گسترش حقوق بین الملل تأکید می نمایند و اصولاً کثرت را نشانه پویایی حقوق بین الملل می دانند. به اعتقاد برخی کثرت هیچ خطر جدی برای حقوق بین الملل ندارد و تنوع هنجاری و نهادی نشان از پیچیدگی روابط اجتماعی در عصر جهانی شدن است. این تنوع حقوقی در واقع نشان از مشغله های متفاوت بازیگران جامعه بین المللی دارد و انحراف از حقوق بین الملل نیست.

از منظر موافقان ایجاد یک نظام متمرکز حقوقی در جهان با واقعیات جامعه بین المللی سازگاری ندارد و جامعه بین المللی باید بوسیله انبوهی از لایه های هنجاری اداره شود. جامعه بین المللی شامل واحد های خودمختاری است و حقوق بین الملل به نوعی نیازمند تکثرگرایی حقوقی است تا به بررسی تنوع دولتها بپردازد. از نگاه موافقان آرمان وحدت هنجاری در قالب حقوق جهانی با واقعیات جامعه بین المللی نامتحد سازگاری ندارد.

با وجود این نگاه های متفاوت به مسئله کثرت در حقوق بین الملل، این پدیده برخی مشکلات عملی را بویژه در حوزه نهادی فراهم آورده که ناشی از تنش میان تفاسیر مختلف از قواعد حقوق بین الملل است. بویژه تنش



میان حقوق عام و حقوق خاص در کار محاکم بین المللی که ناشی از تفاوت های بنیادین در صلاحیت و اهداف محاکم فوق است نمود فراوانی دارد.

هم چنین تنش میان دو نوع حقوق خاص بویژه در ایجاد تعارض در صلاحیت ها و حقوق قابل اعمال در محاکم بین المللی بسیار اتفاق افتاده است. به عنوان نمونه تأکید بر مد نظر قرار گرفتن قواعد ناشی از معاهدات محیط زیستی به عنوان قواعد ایجادکننده محدودیت های تجاری از سوی مرجع حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت یا مد نظر قرار گرفتن حقوق ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از سوی دیوان دادگستری اروپایی، چنانکه در قضایای مختلف اتفاق افتاده است.<sup>۱۱</sup>

### ج- نظام دیالکتیک حقوق بین الملل

با توجه به ساختار پیچیده جامعه بین المللی عده ای از حقوقدانان برای نظام حقوق بین الملل نه رهیافت مبتنی بر قانون اساسی و نه رهیافت مبتنی بر قرارداد را مناسب نمی دانند. فقدان سلسله مراتب میان منابع حقوق بین الملل با ویژگی های دولت محوری، اراده گرایی و تخصص گرایی حقوق بین الملل تناسب دارد. این وضعیت رقابت میان قواعد و نهادها برای توسعه حقوق بین الملل سودمند بوده است. به نظر این عده عوارض و خطرات ناشی از این وضعیت یعنی تعارضات هنجاری و نهادی نمی تواند منافع ناشی از تخصصی شدن حقوق بین الملل را تحت الشعاع خود قرار دهد. البته این عده تأکید دارند که تمامی اعضای جامعه بین المللی احترام حداقلی به تمامی رژیم های حقوقی در نظام بین المللی قائل هستند و این نوعی تعامل و گفتگو را در بین نهاد های مختلف ایجاد می نماید. محاکم بین المللی می توانند در حل و فصل اختلافات بین المللی به آرای یکدیگر مراجعه نمایند یا در جستجوی نظر کارشناسی سازمان های بین المللی خارج از خود باشند.

با این حال نمی توان زیاد به این تعامل و همکاری سازمانی امیدوار بود و به حقوق بین الملل به عنوان مجموعه ای پراکنده از قواعد قراردادی نگاه کرد و اجازه داد که ائتلاف های خاص در حقوق بین الملل به شکل گیری رژیم های مطلقاً خود بسنده و مستقل منتهی گردد. در مفهوم هنجاری و نهادی حقوق بین الملل عام باید دارای اصول قواعد و نهادهای خود باشد تا در ارتباط با یکدیگر عمل نمایند. ما در جامعه بین المللی نیازمند یک نظام منسجم هستیم تا از انحراف و خروج سیستم های خاص از قواعد عام جلوگیری نماید. این برتری قواعد عام باید با یک رویه جهان شمول سازمان ها و محاکم بین المللی تقویت گردد. همه قواعد حقوقی باید نه در یک خلا بلکه در پرتو یک نظم حقوقی مورد تفسیر و اجرا قرار گیرند. یک نظام منسجم نهادینه مانع از حرکت مستقل رژیم های خاص از مجموعه قواعد حقوق بین الملل خواهد شد. انسجام حقوق بین الملل ایجاب می نماید که اجرا و تفسیر هر قاعده ای در بطن نظام گسترده حقوق بین الملل صورت پذیرد.

نتیجه منطقی پذیرش یک نظام حقوق بین الملل این است که سازمان ها و محاکم بین المللی باید فارغ از حقوق خاص خود تمامی قواعد و مقررات معتبر حقوق بین الملل را در انجام وظایف خود لحاظ نمایند. این موجب از بین رفتن زمینه های صدور تصمیمات و آراء متعارض از سوی سازمان ها و محاکم فوق خواهد شد.

زمانی که تعارض میان قواعد حقوق عام و حقوق های خاص نباشد بلکه تعارض بین هنجارهای خاص معتبر و قانونی باشد باید باز با تلاش های هماهنگ سازی حقوق قابل اعمال را اعلام نمود. به عنوان مثال تعارض بین یک تعهد ناشی از حقوق بازرگانی و یک حق ناشی از یک معاهده زیست محیطی باشد. در یک چنین موردی

<sup>۱۱</sup> - مثل قضیه اسمیت برگر smitberger



کدام یک از دو هنجار اولویت دارد؟ گاهی در برخی از حوزه ها صراحتاً برتری یک دسته از هنجارها اعلام شده است. در ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد اولویت به تعهدات ناشی از منشور ملل متحد داده شده است.

تأیید وجود ارزش ها و منافع برتر جامعه بین المللی در حقوق بین الملل معاصر و ظهور مفاهیم جدید مثل مفهوم قواعد آمره بین المللی و تعهدات جمعی به همراه رشد و توسعه سازمان های بین المللی و نقش آنها در نهادینه ساختن نظام حقوقی بین المللی، نشاندهنده تحول در ماهیت کلاسیک حقوق بین الملل است. به اعتقاد برخی حقوق بین الملل با ماهیت همکاری در حال جایگزینی با یک حقوق بین الملل با ماهیت آمره است که مشتمل بر قواعد نظم عمومی بین المللی و تعهدات ناشی از آن است.<sup>۱۲</sup>

پذیرش این مفاهیم در حقوق بین الملل دارای یک سلسله آثار و پیامدهای سیاسی و حقوقی است که یکی از مهم ترین آنها ایجاد سلسله مراتب در حقوق بین الملل می باشد. بدین ترتیب در اثر این تحول و نهادینه شدن سیستم حقوق بین الملل از میزان تعارضات در ابعاد هنجاری و سازمانی در حقوق بین الملل کاسته خواهد شد. با توجه به محتوای قواعد نظم عمومی بین المللی، باید اذعان نمود که هنجارها و نهاد های حقوق بشر در این تحول نقش اصلی را بر عهده دارند.

امروزه نظم عمومی بین المللی چنان اهمیتی یافته است که حفظ و حمایت از آن وظیفه همه اعضای جامعه بین المللی است. در بین اعضای جامعه بین المللی تمایل آشکاری در جهت استفاده از حقوق بنیادین بشر برای تقویت نظم عمومی بین المللی وجود دارد. این حوزه از حقوق بین الملل می تواند با شکل دهی یک هسته بنیادی برای حقوق بین الملل، همه زیرسیستم های حقوق بین الملل را به هم پیوند داده و با ایجاد یک هماهنگی بین آنها به تقویت انسجام حقوق بین الملل کمک نماید.

این تمایل به صیانت از نظم عمومی بین المللی حکایت از گذر از دولت محوری در حقوق بین الملل و گسترش جامعه گرایی و تأکید بر ارزش های مشترک بشری در نظام حقوق بین الملل دارد. توسعه و تضمین اجرای یک چنین نظام حقوقی بستگی به دامنه و ماهیت همبستگی در جامعه بین المللی دارد. برخی در خصوص مفهوم جامعه بین المللی و ماهیت آن ابهام و تردید دارند. هر چند که مفهوم جامعه بین المللی برای تبیین نظام بین المللی در کلیت آن موردنظر است، اما در نوشته ها غالباً در بیان منافع عمومی بین المللی در برابر منافع فردی دولت ها استفاده می شود. از این منظر باید گفت که اجتماع بین المللی ناشی از وجود یک همبستگی بین المللی مبتنی بر مجموعه ای از ارزش های مشترک می باشد. تابعان حقوق بین الملل یک اجتماع بین المللی را بر مبنای ارزش ها، اصول و منافع مشترک شکل می دهند. این اصول و ارزش ها به طور وسیع از سوی دولت ها پذیرفته شده اند و از سوی سازمان های بین المللی تکوین و نهادینه می شوند.

با وجود تغییرات اساسی در عرصه جامعه بین المللی بویژه بعد از سیستم ملل متحد و نقش آفرینی آن در ساختار جامعه بین المللی، حقوق بین الملل هنوز یک نظام حقوقی غیرمنسجم بوده و از ضعف نهادینگی برخوردار است و قواعد حقوق بین الملل به صورت غیر متمرکز اجرا می شوند.

کلیت ثبات و آمریت قواعد حقوق بین الملل با نهاد های منظم و به هم پیوسته حول محوری اساسی یعنی بشریت انطباط یافته و در نتیجه یک کل پایدار و منسجمی را به وجود آورده است.

1- V. GARDBAUM S., « Human rights as International Constitutional rights », European Journal of International Law, Vol. 19, 2008, pp. 749-768



در حوزه جهانی تمدن واحد در مقابل فضاهای فرهنگی سیاسی متنوع قرار دارد و لذا مسئله رابطه میان جامعه واحد با فضاهای متکثر مطرح می شود. صورت بندی حقوقی چنین ترکیبی همان جامعه بین المللی است که در حوزه گسترده ملتها موجودیتی عینی پیدا می کند. بدون اصول راهنمای وحدت دهنده نهاد جامعه بین المللی هرگز محقق نمی گردد. در آنجا که حکومت قانون اصل راهنما است وحدت و اقدامات جمعی مختلف سیاسی اقتصادی فرهنگی و انسانی هدف است. حقوق بین الملل قانون جامعه بین المللی است که با الهام گرفتن از ارزشی متعالی در جهت اجابت نیازهای اعضای آن و تحقق خیرهای مشترک انضباط یافته است. این حقوق موضوعه باید ترجمان عدالتی باشد که با ساختار جامعه بین المللی سازگار باشد. عدالتی که هم بر روابط جامعه با اعضاء حاکم باشد و هم روابط اعضاء را با جامعه تنظیم کند. شناسائی حقوق بین الملل به صورت نظام حقوقی که فقط حافظ حقوق ناشی از قرارداد باشد به معنای نادیده گرفتن طبیعت حقوق بین الملل است. اثبات عدالت اجتماعی برای حقوق بین الملل مبین وجود جامعه بین المللی است. عدالت اجتماعی که از مفهوم ارزش متعالی و تکلیف هر یک از اعضای جامعه بین المللی در قبال آن حکایت دارد.

رسالت اصلی حقوق بین الملل آن است که اعضای جامعه بین المللی را در محدوده خیرهای مشترک بین المللی متصل به آن ارزش متعالی (بشریت) همبسته یکدیگر نماید. بنابراین حقوق بین الملل همانند هر نظام حقوقی مبنایی طبیعی دارد که در قالب حقوق دارای چارچوبی معین می شود که مقوم عدالتی طبیعی است که زیر بنای آن را تشکیل می دهد. لذا حقوق بین الملل قراردادی که وصفی خصوصی دارد تحت حاکمیت نظام کلی حقوق بین الملل است زیرا خیرهای مشترک که اصول اساسی نظام کلی است شرط تحقق این نظام خصوصی است. حقوق بین الملل عام بر خلاف حقوق بین الملل خاص از اصولی الهام می گیرد که در ذات و طبیعت مشترکات بین المللی نهفته است. حقوق بین الملل بر خلاف دوره کلاسیک یک حقوق شکلی نیست. قواعد جدید حقوق بین الملل با توجه به ارزش های مرتبط با همبستگی و عدالت اجتماعی تکوین یافته است که از جمله عالی ترین نتایج آن قواعد مربوط به حقوق بشر و دموکراسی است.

پدیداری این قواعد در حقوق بین الملل باعث شده است تا در جامعه بین المللی تعهداتی ایجاد گردد که اجرای آنها دیگر منوط به شرط تبادل نباشد. در چنین وضعیتی میان قواعد حقوق بشر و منفعت حقوقی مرتبط با اعمال آنها رابطه ای منطقی در یک نظام حقوقی سازمان یافته ایجاد می شود. حقوق بشریت بر فراز ساختارهای بین المللی قرار گرفته و هسته مرکزی حقوق جهانی را شکل می دهد. این حقوق که از همبستگی میان اعضای جامعه بین المللی پدید می آید عامل استقرار حکومت قانون در جامعه بین المللی است.

حقوق بین الملل نوین تلاش می کند که با تعمیم حقوق بشر به تمامی سیستم های حقوقی دموکراسی و حکومت قانون را در پهنه گیتی مستقر گرداند. البته حصول توافق در خصوص مفاهیم اساسی حقوق بشر شرط لازم استقرار حقوقی چنین نظامی است. ارتباطی میان حقوق بشر دموکراسی و حکومت قانون برقرار می گردد چشم انداز وسیعی از همبستگی بین المللی بوجود آورده است.<sup>۱۳</sup>

هدف نهایی رویکرد جدید در حقوق بین الملل اعتلای حاکمیت جهانی قانون و حقوق بشر است. امید این است که رویکرد های متعدد بعد از یک دوره تعرضات به همگرایی برسند. پراکندگی ها در نیل به هدف والای وحدت در تکاپو هستند. به هر حال حقوق بین الملل به عنوان یک حقوق عملگرا باقی مانده است. این عمل گرایی تعارضاتی را مطرح می نماید که موجبات کاهش اعتبار و وحدت نظام را فراهم می کند، هر چند بنا به

<sup>۱۳</sup> - فلسفی هدایت الله " ملل متحد و آرمان بشریت " مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۵ ص ۳۰-۹





زعم برخی به این نظام اجازه مؤثر بودن و انجام وظایف را از طریق رشد مداوم و انطباق با مطالبات متغیر اجتماع بین المللی ناهمگون را می دهند<sup>۱۴</sup>.

فقدان یک فرایند مناسب قانونگذاری، پیچیدگی، خاص گرایی، پراکندگی نهادها و مراجع قضایی بین المللی و نیز پراکندگی مباحث هنجاری در حقوق بین الملل از چالش های عمده نظام حقوق بین الملل محسوب می شوند. ساختار اجتماع بین المللی در حال تغییر بوده و نهادهای نوین متناسب با آن لازم است. دکترین های دولت محور و رضایت محور حقوق بین الملل اجازه این تغییرات را نمی دهند و لذا موجب تفکیک میان نظریه و عمل و در نتیجه بحران مشروعیت می شوند. جامعه بین المللی نیازمند بازنگری در برخی اصول و نهادهای سنتی خود است.

به نظر می رسد ساز و کارهای سنتی قانونگذاری عام در حقوق بین الملل با توجه به تغییر اساسی مطالبات نظام حقوقی بین المللی نیازمند بازنگری با رویکرد ساز و کارهای نوین وضع قواعد جهانی است. فقدان یک نظام مرکزی و طبقه بندی شده از منابع در حقوق بین الملل کار را دشوارتر کرده است.

قواعد آمره به عنوان ارزش های بنیادین جامعه بین المللی صرفاً بیان گر نظام سلسله مراتبی حقوق بین الملل نیستند بلکه می توانند به سیاست های بنیادی جامعه بین المللی نیز مشروعیت بخشند و به همسوئی حقوق و سیاست کمک کنند. این قواعد نه تنها پیوستگی نظام حقوق بین الملل را تضمین می نمایند بلکه حقوق بین الملل را به آن سطح از عمومیت می رسانند که پاسخگوی مطالبات متغیر جامعه بین المللی باشد.

اصولاً توسعه و پیچیدگی حقوق بین الملل مدرن نشانگر اعتلای این حقوق می باشد هر چند که این تکثر موجب شده که عده ای از حقوقدانان در خصوص تضمین وحدت نظام حقوق بین الملل با سوالات جدی مواجه شوند. در یک نظام حقوقی پیچیده که فاقد یک اقتدار مرکزی باشد مشکلاتی در خصوص هماهنگی بین اجزای نظام پیش خواهد آمد و راه حل آنها نیز در همه موارد نمی تواند مشخص باشد. گسترش رژیم های خاص پیچیدگی حقوق بین الملل را بیشتر کرده است و تأثیرات آن در همه حوزه ها قابل مشاهده است. این رژیم ها هنجاری با درجات متفاوت به دنبال نوعی انحصار و استقلال می باشند که مشکل تکثر در جوامع تفسیری در حقوق بین الملل را فراهم می آورد.

پراکندگی نهادها و سازمان های بین المللی و به ویژه محاکم بین المللی که تابع ارزیابی مستقل هستند یک ضربه اساسی را بر وحدت حقوق بین الملل وارد نموده است. اتخاذ تصمیمات متعارض در نظامی که هیچ نوع سلسله مراتب قضایی ندارد نظم حقوقی بین المللی را به مخاطره می اندازد. مشکل اینجا است که در فقدان یک ساختار عمودی محاکم بین المللی تمایل دارند تا از منظر تخصص خود به مسائل حقوقی نگاه کنند. فنون و تکنیک های تفسیری نیز در وضعیت پیچیده تعارض هنجارها و رژیم ها فاقد کارائی لازم می باشند.

مشکلات ناشی از تکه تکه شدن حقوق بین الملل بحث اساسی سازی نظام حقوقی بین المللی را به پیش کشیده است<sup>۱۵</sup>. برخی مفاهیم جدید در حقوق بین الملل از نظر عده ای از حقوقدانان بین المللی بر جنبه های متنوع ظهور نظم اساسی در حقوق بین الملل دلالت دارند. در این راستا با تکیه بر قواعد بنیادین بیشتر بر بعد هنجاری اساسی سازی در حقوق بین الملل تأکید شده است. این قواعد حتی بدون وجود مکانیزم های مناسب می توانند کارکردهای قانون اساسی را در نظام بین المللی ایفا نمایند. البته مدل های احتمالی برای سازش بین

<sup>۱۴</sup> - بیانچی آندریا، ترجمه محمد شمسایی "نگاهی به آینده و چالش های اساسی حقوق بین الملل" مجله حقوقی بین المللی، زمستان ۱۳۸۹ ص ۳۷-۱۳

<sup>۱۵</sup> - The consitutionalization of the international legal order



عناصر نهادی و هنجاری قابل طرح هستند. حقوق بشر به عنوان پارادایم اساسی سازی در حقوق بین الملل مطرح می باشد. وجود ارزش های جهانی معادل یک ساختار اساسی است که در آن رژیم های خاص می توانند مکمل هم باشند. در تمامی رژیم های خودبسندده حمایت از حقوق بنیادین باید محور اساسی سازی در نظر گرفته شود.<sup>۱۶</sup>

به موازات این فرایند اساسی سازی در حقوق بین الملل تلاش هایی نیز در جهت تضمین وحدت در حقوق بین الملل از طریق فنون تفسیری و هماهنگی نهادی در حال انجام هستند. از سوی دیگر پراکندگی گسترده مباحث نظری حقوق بین الملل می تواند به نسبی گرائی حقوقی و از بین رفتن انسجام نظام حقوقی بین المللی منجر گردد. لذا نباید از اهمیت حوزه نظریه پردازی در حقوق بین الملل غافل بود چرا که با گسترش تعارضات نظری و غلبه رویکرد های مبتنی بر subjectivisme می تواند تاثیرات مهمی در کارائی و انسجام نظام حقوق بین الملل ایجاد کند. باید تأکید نمود که هدف نهائی اندیشیدن درباره حقوق بین الملل ارتقای حاکمیت جهانی قانون و وضعیت نوع بشر است. در پرتو این نگرش نظریه های متنوع به همگرایی خواهند رسید و این تکاپوی اندیشه های پراکنده در رسیدن به چنین هدف والایی امید به آینده خوب برای بشریت است.

در هر جامعه منافع مصالح و ارزش هایی وجود دارد که نظام حقوقی آن جامعه با حفاظت از آنها مانع از هم پاشیدگی نظام اجتماعی می شود. لذا این ارزش های بنیادین و منافع عالی در یک جامعه پدیداری مفهوم نظم عمومی را موجب می شود. از سوی دیگر در هر جامعه ای یک سری ارزش ها و منافع خاص نیز وجود دارد که در تعارض با عناصر نظم عمومی قرار می گیرند. نظم عمومی بین المللی یک منبع ماهوی برای حقوق بین الملل است که در قالب مفاهیم جدید قواعد آمره و تعهدات جمعی انسجام و عام الشمولی این نظام را تضمین می نماید.<sup>۱۷</sup>

در پرتو این تحولات و بر پایه قواعد نظم عمومی بین المللی و تعهدات ناشی از آن ظهور حقوق بین الملل جامعه محور موضوعی است که ذهن اغلب علمای حقوق بین الملل را به خود مشغول نموده است. با این همه حقوقی که جامعه بین المللی از آنها بهره مند است همچنان محدود است. جامعه بین المللی که واجد اهلیت تمتع است هنوز از اهلیت اجرای مستقیم حقوق و تکالیف خود بهره مند نیست. چون جامعه بین المللی نمی تواند دست به اقدام بزند دولت ها باید بتوانند حق خود را به منظور اعمال ارزش های حقوقی اساسی جامعه بین المللی به کار گیرند. البته دولت ها نه به تنهایی بلکه در مجموع از حق واکنش نسبت به نقض تعهدات عام الشمول برخوردارند چون فقط جامعه بین المللی از حق انحصاری حمایت از تعهدات عام الشمول برخوردار است.

حقوق بین الملل به لحاظ توسعه، پویایی و جوان بودن و هم از لحاظ تعامل با بخش های دیگر علم حقوق از اهمیت خاصی برخوردار است. این بیانگر این مطلب است که ما در یک فرایند تکثر در حوزه حقوق بین الملل قرار گرفته ایم. یک فرایندی که هر روز ابعاد جدیدی به خود می گیرد مباحثی مثل حقوق بین المللی اقتصادی، حقوق بین الملل محیط زیست، حقوق بین الملل توسعه، حقوق بین المللی کیفری، حقوق بین الملل ارتباطات. این تکثر در هر دو حوزه هنجاری و سازمانی اتفاق افتاده که این هم مایه پویایی و هم مایه پیشرفت برای حقوق بین الملل است و هم می تواند تهدیدی برای حقوق بین الملل باشد. علمای حقوق بین الملل به این موضوع نگاه هایی متفاوت دارند که آیا این تکثر در حوزه های هنجاری و سازمانی می تواند منجر به از هم پاشیدگی حقوق بین الملل شود و این وضعیت آیا با نظم حاکم بر جامعه بین المللی سازگاری دارد؟

1- Petersmann, "Human Rights, Constitutionalism and the World Trade Organization: Challenges for World Trade Organization Jurisprudence and Civil Society", LJIL, 19, (2006), pp. 633-67.

<sup>۱۷</sup> - حدادی مهدی "استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام الشمول" مجله حقوقی بین المللی شماره ۴۲ ۱۳۸۹ ص ۱۲۴-۸۹



نظام حقوق بین الملل فاقد یک سیستم سلسله مراتبی است و به اصطلاح جامعه ی بین المللی یک جامعه ی افقی است. برای یک جامعه ای که سیستم افقی است و هر سوژه و نهادی بدون محدودیت صلاحیت در تعیین صلاحیت خود دارد می تواند واقعاً به سمتی حرکت کند که وحدت حقوق بین الملل دچار مخاطره گردد. این تهدید و ضرورت وحدت در حقوق بین الملل مورد توجه زیادی قرار گرفته است و تلاش هایی در جهت ارائه یک چارچوب حقوقی برای نظم حقوق بین الملل مثل ماده ۵۳ کنوانسیون ۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات که بحث قواعد آمره را مطرح کرده صورت پذیرفته است. این قواعد که در جهت استقرار اصل حاکمیت قانون در حقوق بین الملل حرکت می کنند. یعنی واقعاً یک منافع مشترک است در حوزه جامعه بین المللی که همه تابعان حقوق بین الملل چه در بحث دولت - کشورها و چه در بحث سازمان های بین المللی باید احترام بگذارند.

با رویکرد انسانی به ویژه بعد از دهه ۹۰ و پایان جنگ سرد جامعه بین المللی به سوی شناسایی ارزش های مشترک و شکل گیری قواعد عام در حقوق بین الملل حرکت نموده است. حقوق بین الملل در واقع یک مرحله دموکراتیزه سازی را بر اساس این رویکرد انسانی طی می کند و حتی در نهادهای بین المللی که در ظاهر جنبه اقتصادی و تجاری دارند مثل سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا صحبت از پیروی از قواعد حقوق بشر است. چه بسا از عملکرد این سازمان ها در حوزه های اقتصادی و تجاری آسیب های جدی به قواعد بنیادین انسانی و حقوق بشر وارد گردد. لذا عده ای از حقوق دانان بین المللی از خلأهای اجتماعی و دموکراتیک در حوزه سازمان های بین المللی اقتصادی مثل بانک جهانی ابراز نگرانی نموده اند. لذا ضروری است که حتی نهادها و سازمان های بین المللی به عنوان تابعان حقوق بین الملل در قبال حقوق بین الملل التزام داشته باشند چون واجد شخصیت حقوق بین المللی هستند و بسیار در رفتار کشورها در عرصه های ملی و بین المللی تأثیر دارند. امروزه اگر سازمان های بین المللی در اجرای حقوق بین الملل خواستار نقش آفرینی هستند بایستی خود را در قبال قواعد برتر حقوق بین الملل متعهد بدانند و مسؤلیت بین المللی خود را بپذیرند.

لذا مسؤلیت بین المللی سازمان های بین المللی در احترام به وحدت حقوق بین الملل با محوریت قواعد بنیادین حقوق بشر بایستی به عنوان یک موضوع اساسی مدنظر حقوقدانان باشد. لذا وحدت مبنای حقوق بنیادین در حوزه حقوق بین الملل باید از خود نهادهای حقوق بشری شروع شود. ولی متأسفانه الان در خود نهادهای حقوق بشر نوعی گسست و ناهماهنگی وجود دارد. اولین گسست در این حوزه بعد از پایان جنگ جهانی دوم و بعد از تلاش هایی که منجر به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر شد اتفاق افتاد. کشورهای متعلق به بلوک های سیاسی مختلف دچار چند پارگی و آشفتگی شدند. این تفرقه را در سال ۱۹۶۶ در تدوین میثاقین حقوق بشر می بینیم. اصولاً پیش نویس میثاق واحد راجع به حقوق بشر مطرح بود و اختلافات در حوزه های سیاسی - حقوقی و اقتصادی باعث شد که کشورها بیایند از تنظیم اسناد جداگانه با ارزش حقوقی متفاوت بحث کنند. یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی با پیش بینی یک مکانیزم کنترل تضمین بیشتری را برخوردار گردید با یک پروتکل اختیاری،

ما میثاق دوم، بدون پروتکل و بدون تعیین سیستم نظارتی تصویب شد و بالتبع این تفکیک بیانگر این است که جامعه بین المللی در واقع حقوق مدنی و سیاسی را در برابر حقوق اقتصادی و اجتماعی حقوق درجه اول می شناسد و حقوق اقتصادی و اجتماعی مندرج در میثاق دوم حقوق درجه دو محسوب می شود.

امروزه در حوزه حقوق بین الملل به ویژه با تلاش هایی که در سازمان ملل متحد به عمل آمده یک تئوری تحت عنوان تفکیک ناپذیری و وابستگی مطرح گردیده به ویژه در حوزه حقوق بین الملل بشر. در چارچوب این دکترین مسائلی مثل صلح، محیط زیست، توسعه، دموکراسی و حقوق بشر از هم قابل تفکیک نیستند و در کنار



هم باید در نظر گرفته شوند و آسیب به هر کدام از این حوزه ها، تأثیر منفی در بخش های دیگر خواهد داشت و پیشرفت در هر بخش آثار مثبت در بخش دیگر به همراه خواهد داشت. به اعتقاد عده ای از حقوقدانان حوزه حقوق بین الملل بشر می تواند نقطه شروع برای تلاش ها در جهت حفظ وحدت در حقوق بین الملل باشد. اخیراً پیشنهاد ادغام کمیته های نظارتی در حوزه حقوق بشر مطرح گردیده است. کمیته های مختلف حوزه حقوق بشر بصورت هماهنگ در نظارت بر انواع اسناد حقوق بشر در مقوله های پنج گانه عمل نمایند. هم چنین پیشنهاد ایجاد یک کمیته مشترک تلفیقی شده که در اعمال و اجرا و تفسیر قواعد مختلف حقوق بشر از اتخاذ تصمیمات و رویه های متعارض جلوگیری شود.

### نتیجه گیری:

در حوزه جامعه بین المللی مثل جوامع ملی اساسی سازی<sup>۱۸</sup> نظم حقوقی یک ضرورت است. وجود یک قانون اساسی در جامعه بین المللی به حاکمیت قانون در رفتار اعضای جامعه بین المللی خواهد انجامید. یک چنین قانونی به تحقق یک نظم نوین در پرتو حقوق در جهان کمک خواهد کرد. این نظم نه بر پایه قواعد اقتصادی بلکه بر اساس قواعد حقوق بشر شکل می گیرد که در آن منافع تجاری بر حقوق بنیادین انسانی ترجیح داده نخواهد شد. همه قواعد حقوق بین الملل اعتبار و محتوای خود را از هنجارهای اساسی جامعه بین المللی می گیرند و لذا حقوق بین الملل یک نظام حقوقی متمرکز است و از یک وحدت حقوقی برخوردار می باشد. نهادسازی جامعه بین المللی غیرقابل اجتناب است. حقوق بین الملل نوین باید منعکس کننده وجدان حقوقی جمعی جامعه بین المللی باشد.

آیا بازیگران جامعه بین المللی در تصمیم سازی های خود از آزادی کامل برخوردارند. در نظام بین المللی بایستی یک سری محدوده هایی حقوقی وجود داشته باشد که تمامی تابعان حقوق بین الملل ملتزم به آنها باشند. بویژه نقش سازمان های بین المللی در تحکیم حقوق بین الملل و احترام به آن مهم است. بعنوان مثال نباید شورای امنیت سازمان ملل متح قطع نامه هایی تصویب کند که مغایر با تعهداتی باشد که در اسناد راجع به حقوق بنیادین انسانی برای دولت ها ایجاد گردیده است. ولی در عمل برخی از قطع نامه های شورای امنیت به ویژه در مبارزه با تروریسم آثاری منفی برای قواعد حقوق بشر دارند و در تعارض با اسناد بین المللی حقوق بشر قرار دارند. آیا ضروری نیست که شورای امنیت مشروعیت تصمیمات خود را در مقام عدم مغایرت با قواعد بنیادین و قواعد آمره بین المللی و محورهای آمره نظام بین المللی مورد بررسی قرار دهد؟

امید است که سازمان های بین المللی و به ویژه سازمان ملل متحد در رأس جریان وحدت در حوزه حقوق بین الملل مبتنی بر ارزش های انسانی قرار بگیرند. این سازمان ها باید در عملکردهای خود یک رویکرد انسانی را در پیش گیرند و ملت ها را نسبت به مسیر خود در جهت تأمین امنیت و آسایش برای همه دلگرم سازند. انتظار می رود با یک چنین رویکرد انسانی حقوق بین الملل در قرن ۲۱ به دنبال و در تکاپوی ارزش های نخستینی باشد که به خاطر تضمین آنها بنا گردیده است.

<sup>۱۸</sup>-Constitutionalization



## منابع فارسی:

ژوست پاولین " کثرت حقوق بین الملل " ترجمه عبدالله عابدینی، مجله حقوقی بین المللی، زمستان ۱۳۸۹ ص ۱۰-۱۲۶

فلسفی هدایت الله " ملل متحد و آرمان بشریت " مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۵ ص ۳۰-۹

بیانچی آندریا، ترجمه محمد شمسانی " نگاهی به آینده و چالش های اساسی حقوق بین الملل " مجله حقوقی بین المللی، زمستان ۱۳۸۹ ص ۱۳-۳۷

حدادی مهدی " استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام الشمول " مجله حقوقی بین المللی شماره ۴۲ ص ۱۳۸۹-۸۹-۱۲۴

شهبازی آرامش " تکثر سیستم قضایی بین المللی "، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم شماره ۲۹ ۱۳۸۹

هنجری سید علی " قواعد بنیادین حقوق بین المللی کیفری و قواعد آمره " مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی شماره سی و سوم ۱۳۸۴ ص ۲۳۱-۲۴۴

سلیمی تر کمانی حجت " رژیم های خودبسنده و مناسبات آنها با حقوق بین الملل عام " مجله حقوقی بین المللی شماره ۴۲ ۱۳۸۹ ص ۲۷۰

شهبازی آرامش " تاملی در وحدت و کثرت نظام حاکم بر سیستم حقوق بین الملل " مجله حقوقی بین المللی شماره ۴۱ ۱۳۸۸ ص ۱۳-۶۰

## منابع انگلیسی و فرانسه:

1- PETERSMANN E.-U., « Time for a United Nations Global Compact for

Integrating Human Rights into the Law of Worldwide Organizations: Lessons from European Integration », op. cit., p.623

2-V. GARDBAUM S., « Human rights as International Constitutional rights », European Journal of International Law, Vol. 19, 2008, pp. 749-768

3-DELMAS-MARTY M., « Trois défis pour un droit mondial », Editions du Seuil, 1998, p.19

4-DUPUY P.-M., « L'unité de l'ordre juridique international », Cours général de droit international public, R.C.A.D.I., Vol.297, 2002, p. 432-450.

5-DUPUY P.-M., « The Danger of Fragmentation or Unification of the International Legal System and the International Court of Justice », New York University Journal of International Law and Policy, Vol.31, n°4, 1999, p. 791-808.

6-DUPUY P.-M., « Unité d'Application du Droit International à l'Echelle Globale et Responsabilité des Juges », European journal of legal studies, Vol.1, n°. 2, 2007

7-T. Treves, 'Judicial Lawmaking in an Era of Proliferation' of International Courts and Tribunals: Development or Fragmentation of International



- Law?’ in R. Wolfrum and V. Roeben (eds) *Developments of International Law in Treaty Making* (Springer Berlin 2005) 587–620.
- 8-A. Zimmermann and R. Hofmann (eds) *Unity and Diversity of International Law* (Duncker & Humblot Berlin 2006).
- 9-M. Akehurst, *The Hierarchy of the Sources of International Law*, 1974, BYIL
- 10-B. Simma \_Self-Contained Regimes’ (1985) 16 NYIL 111–36.
- 11-I. Brownlie \_Problems Concerning the Unity of International Law’ in *Le droit international à l’heure de sa codification: études en l’honneur de Roberto Ago* (Giuffrè Milano 1987) vol 1 153–62.
- 12-E Roucouнас ,Engagements parallèles et contradictoires’ (1987) 206 RdC
- 13-P.J. Kuijper \_The Law of GATT as a Special Field of International Law, Ignorance, Further Refinement or Self-Contained System of International Law?’ (1994) 25 NYIL 227–57.
- 14-G. Guillaume, *La Cour Internationale de Justice: Quelques propositions concrètes à l’occasion du cinquantenaire*’ (1996) 100 RGDIP 323–33.
- 15-D.M. McRae, *The Contribution of International Trade Law to the Development of International Law*, (1996) 260 RdC 99–238.
- 16-A.E. Boyle, *Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction*, (1997) 46 ICLQ 37–54.
- 17-R.Y. Jennings \_The Role of the International Court of Justice, (1997) 68 BYIL 1–63.
- 18-A. Marschik *Subsysteme im Völkerrecht: Ist die Europäische Union ein ‘Self-Contained Regime’?* (Duncker & Humblot Berlin 1997).
- 19-G Teubner, *Global Law without a State* ,Dartmouth Aldershot 1997.
- ۲۰-J. Weiler and A. Paulus, *The Structure of Change in International Law or: Is there a Hierarchy of Norms in International Law*, (1997) 8 EJIL 545–65.
- 21-J. Charney, *Is International Law Threatened by Multiple International Tribunals*, (1998) 271 RdC 101–382.
- ۲۲-P. Sands, *Treaty, Custom and the Cross-Fertilization of International Law*, (1998) 1YaleHumRts&DevLJ 85–105.
- 23-J.P. Trachtman \_The Domain of WTO Dispute Resolution, (1998) 40 HarvIntlLJ 333–78.
- 24-B. Kingsbury and others, *The Proliferation of International Tribunals: Piecing Together the Puzzle*’ (1999) 31 NYUJIntlL&POL 679–855.
- 25-G. Marceau \_A Call for Coherence in International Law: Praises for the Prohibition against Clinical Isolation in WTO Dispute Settlement (1999) 33(5) JWT 87–152.



- 26-S. Salinas Alcega and C. Tirado Robles, *Adaptabilidad y fragmentación del derecho internacional: la crisis de la sectorialización* (Real Instituto de Estudios Europeos Zaragoza 1999).
- 27-T Treves, *Advisory Opinions of the International Court of Justice on Questions Raised by Other International Tribunals* (2000), 4 MaxPlanckYrbkUNL.
- 28-L. Bartels, *Applicable Law in WTO Dispute Settlement Proceedings* (2001) 35 JWT 499–519.
- 29-J. Pauwelyn *The Role of Public International Law in the WTO: How Far Can We Go?*, 2001) 95 AJIL 535–78.
- 30-M Koskeniemi and P Leino, *Fragmentation of International Law? Postmodern Anxieties* (2002) 15 LJIL 553–79.
- 31-J. Neumann *Die Koordination des WTO-Rechts mit anderen völkerrechtlichen Ordnungen: Konflikte des materiellen Rechts und Konkurrenzen der Streitbeilegung* (Duncker & Humblot Berlin 2002).
- ۳۲-J. Pauwelyn *Conflict of Norms in Public International Law: How WTO Law Relates to Other Rules of International Law* (CUP Cambridge 2003).
- 33-R. Higgins, *The ICJ, the ECJ, and the Integrity of International Law*, (2003) 52 ICLQ 1–20.
- 34-R Wolfrum and N Matz *Conflicts in International Environmental Law* (Springer Berlin 2003).
- 35-K.A. Annan *Foreword* in United Nations (ed), *A More Secure World: Our Shared Responsibility. Report of the High-Level Panel on Threats, Challenges and Change* (United Nations Secretariat Department of Public Information New York 2004) vii–x.11
- 36-B. Simma and others, *Diversity or Cacophony? New Sources of Norms in International Law?* (2004) 25 MichJIntL.
- 37-T Cottier, E Burgi and J Pauwelyn, *Human Rights and International Trade* (OUP Oxford 2005).
- 38-O. Delas and others (eds) *Les juridictions internationales: complémentarité ou concurrence?* Bruylant Bruxelles 2005.
- 39-N. Matz *Wege zur Koordinierung völkerrechtlicher Verträge* (Springer Berlin 2005).
- 40-C. McLachlan *The Principle of Systemic Integration and Art. 31 (3) (c) of the Vienn Convention* (2005) 54 ICLQ 279–320.



41-Speech to the UNGA Sixth Committee by G Guillaume (55th Session) \_The Proliferation of International Judicial Bodies: The Outlook for the International Legal Order‘ (27 October 2000) UN Doc A/C.6/55/SR.17.

42-G. Hafner, Risk Ensuing from Fragmentation of International Law‘ International Law Commission, Report of the International Law Commission on the Work of its 52nd Session‘ UN Doc A/55/10, 143.

43-Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law‘ (Analytical Study) (2006) UN Doc A/CN.4/L.682.

44-Report of the Study Group of the International Law Commission \_Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law‘ (Conclusions) (2006) UN Doc A/CN.4/L.702

Archive of SID